

اطلاع‌رسانی و توسعه از نگاهی دیگر

محمد حسن زاده^۱

چکیده

توسعه به لحاظ علمی و نظری با پیچیدگیهای خاصی رو به روست. توسعه، فرایندی فراگیر است که تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد. چون تغییر به عنوان اصل اساسی و رکن اصلی توسعه تلقی می‌شود و تغییر بدون داشتن اطلاعات یا ممکن نیست یا به نتیجه مناسب نمی‌انجامد، اطلاع‌رسانی در راستای توسعه باید در رأس برنامه‌ریزیها قرار گیرد. این مقاله با مرور نوشته‌های پنج تن از نویسندگان و اندیشمندان در حوزه توسعه و اطلاعات، از یک‌سو مبانی نظری موجود در مورد توسعه را بررسی و از سوی دیگر، نقش اطلاعات، مراکز اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات را در تسریع فرایند توسعه تبیین می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: توسعه اطلاعات مدار، اطلاع‌رسانی

مقدمه

توسعه به لحاظ عملی و نظری با پیچیدگیهای خاصی رو به روست. تعبیرهای مختلف از توسعه، تعیین سطح توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی جوامع با در نظر گرفتن تنوع جوامع به لحاظ نوع (روستایی و شهری)، زیرساختهای موجود، رویکردهای سیاستگذاران، مسئولان ملی و بین‌المللی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن، پیچیده‌تر نیز می‌شود. ماهیت پویای مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز در اعصار مختلف موجب

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

شکل‌گیری فرایندهای گوناگون توسعه می‌گردد. گرایش فزاینده به سوی اطلاعات و دخالت مؤثر این پدیده در ساختارها و زوایای مختلف جوامع بشری و جابه‌جایی در قدرت (تافلر، ۱۳۷۷)، فصل نوینی از مسائل و چالشها را پیش روی اندیشمندان و مسئولان توسعه قرار داده است. از آنجا که نگارنده در دو مقاله جداگانه^۱ به بررسی مفهوم توسعه و مؤلفه‌های آن پرداخته است، اکنون در نظر دارد با مرور نوشتارهای پنج تن از نویسندگان اندیشمندان در حوزه توسعه و اطلاعات، از یک سو مبانی نظری موجود در مورد توسعه را مطالعه و بررسی کند و از سوی دیگر، نقش اطلاعات، مراکز اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات را در تسریع فرایند توسعه تبیین نماید. در این راستا از متون موجود در زمینه توسعه و مباحث مربوط به آن نیز استفاده ممکن به عمل آمده است.

رویکردهای نظری به مفهوم "توسعه"

پس از جنگ جهانی دوم، سه رویکرد نسبت به مفهوم توسعه جوامع، بویژه در جوامع روستایی پدید آمد:

الف) رویکردی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ رایج شد، توسعه را به معنای رشد تولید ناخالص ملی (GNP) قلمداد می‌کرد. در این طرز تلقی از مفهوم توسعه، دولت‌ها رشد اقتصادی را بهترین هدف در راستای توسعه برای خود انتخاب کردند.

ب) رویکردی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به عنوان تحولی در رویکرد اول به عرصه ظهور در آمد، توسعه همراه با توزیع مجدد منابع را سرلوحه اصول خود قرار داده بود. این رویکرد، منجر به اصلاحات ارضی و راهبردهای مشابه شد که رشد تولیدات کشاورزی و کسب ارز خارجی جهت نوسازی صنعتی، از سیاستهای حمایتی آن بود.

۱. الف) نقش اطلاع‌رسانی مؤثر در مدیریت اراضی، فرسایش خاک و توسعه پایدار. در: همایش ملی مدیریت اراضی، فرسایش خاک و توسعه پایدار. اراک - ۱۳۸۰

ب) کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در فرایند توسعه جوامع در حال توسعه. ویژه نامه ششمین نمایشگاه کتاب خراسان. دی‌ماه ۱۳۸۲، ص. ۴۶.

ج) روندی که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، تأمین نیازهای اساسی مردم فقیر را هدف عمده خود قرار داده و موضوع پایداری^۱ را به عنوان شاخص عمده رشد و توسعه جامعه قلمداد نمود تا نیازهای اساسی مردم بدون آسیب رساندن به منابع زیست محیطی، اجتماعی و حفظ تعادل زیست - بومی برآورده شود (عمادی، ۱۳۷۹).

با توجه به رشد روزافزون فقر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و عواقب زیست محیطی و تخریب محیط زیست در نقاط مختلف جهان، روشن می‌شود که این روندها موفقیت آمیز نبوده‌اند. بدین جهت، برخی در قبال این روند، اصول آنها را پذیرفته و بر تداوم همراه با تجدید نظر در شیوه اجرای آنها، پافشاری می‌کنند. در مقابل، برخی به شکل بنیادی بر لزوم تغییر و تحول در کلیه اصول آنها عقیده دارند. اما با در نظر گرفتن موفقیت‌های طرح‌هایی که براساس توجه به نیازهای اساسی انسان به صورت پایدار در کوبا، چین، هندوستان و سریلانکا پایه‌ریزی شده بودند، می‌توان گفت که رویکرد سوم، با توجه به اینکه اصول اساسی خود را بر شناخت و آگاهی از نیازهای اساسی و القای اطلاعات مورد نیاز برای جوامع، بویژه جوامع روستایی استوار کرد، موفقیت بیشتری نسبت به سایر رویکردها که صرفاً نظری و یکسو نگر بوده‌اند، داشته است.

توسعه و ابعاد آن

داورپناه (۱۳۸۱) توسعه را فرایندی مداوم دانسته و آن را به عنوان چارچوبی مفهومی برای تغییرات فردی، نهادی، ملی و بین‌المللی برای "پیشرفت" تلقی کرده است. وی به نقل از حرّی (۱۳۷۲) توسعه را قابلیت توان به کارگیری شیوه‌های مطلوب و فناوری مناسب به منظور افزایش ظرفیت و کیفیت تولید (تولید به معنای عام) تعریف نموده است. توسعه در سطح خرد و کلان شامل تغییرات اساسی در جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، مدیریتی و کشاورزی است. هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه، باید همه این ابعاد را مورد توجه قرار دهد. در هر کدام از این

۱. Sustainability

ابعاد، مؤلفه‌های مختلفی دخیل هستند که قابل بحث و بررسی است. توسعه ملی، مستلزم توسعه یکپارچه، هماهنگ و متعادل در همه جنبه‌های زندگی یک ملت است. استراتژی توسعه، نیازمند استفاده بهینه از انسان، مواد، ماشین، تفکرات، سرمایه، روشها، بازار و ارتباطات و اطلاعات است.

یکی دیگر از مفاهیمی که در مورد توسعه در دهه‌های اخیر گسترش یافته، توسعه پایدار است. توسعه پایدار، مفهومی است که برای بسیاری از کشورها به عنوان الگویی برای توسعه همه‌جانبه شناخته شده. کلارک^۱ (۱۹۹۶) توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌داند که نیازهای حال را بدون لطمه زدن به منابع نسلهای آینده برآورده می‌سازد. طلایی (۱۳۷۶) نیز تعریف بالا را پذیرفته است. سالاری (۱۳۸۱)، با جمع‌بندی از تعریفهای مختلف در مورد توسعه پایدار، نتیجه گرفته است که توسعه پایدار:

▪ یک فرایند است

▪ مبنا و لازمه پیشرفت به شمار می‌آید

▪ توسعه‌ای متوازن و همه‌جانبه را شامل می‌شود

▪ دارایی‌ها و منابع نسل‌های آینده را تخریب نمی‌کند.

شاه‌شجاعی (۱۳۷۸) با تأکید بر توسعه در جوامع روستایی، ارتباطات و اطلاع‌رسانی را به عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزیهای ملی و توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان ارزیابی کرده و با استناد به "مردال و گولت"، توسعه را به عنوان حرکتی از پایین به بالا، تغییر اجتماعی و آزادسازی انرژی انسانها، تلقی نموده است.

از مرور متون مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که توسعه با تغییر همراه است. این مفهوم به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است (ازکیا، ۱۳۸۱). به نظر مایکل تودارو (۱۳۶۶) توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم، نمادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق می‌باشد. علاوه بر این‌ها، مفهوم توسعه با اطلاعات نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. قسمت بعدی این نوشتار، به این مورد اختصاص دارد.

۱. Clarck

اطلاعات و توسعه

اطلاعات از جهات مختلف با توسعه در ارتباط است. از آنجا که توسعه با تغییر همراه است، تغییر بدون اطلاعات امکان‌پذیر نیست و چنانچه صورت پذیرد، نتایج مطلوب به همراه نخواهد داشت. معیار توسعه‌یافتگی چیزی جز قابلیت تولید و استفاده از اطلاعات نیست. توسعه سیاسی به عنوان یکی از ابعاد توسعه، به افزایش عقلانیت، آگاهی، علمی‌نگری، مشارکت دموکراتیک و عادلانه در امور اجتماعی مربوط می‌شود و ایجاد دموکراسی با شهروند مطلع، حقوق مساوی و عادلانه برای مشارکت در امور دولتی و مسئولیت‌پذیری تک‌تک افراد جامعه ممکن می‌شود. دستیابی به همه این مشخصه‌ها به میزان اطلاعات افراد جامعه بستگی دارد. در توسعه فرهنگی و انسانی که مردمان یک جامعه محور توسعه تلقی می‌شوند، به توسعه به عنوان آزاد سازی انرژی انسانها و به کارگیری قدرت آنها در جهت اهداف تعیین شده، نگرسته می‌شود. در آمد سرانه، وضعیت بهداشتی، تغذیه و دسترسی به ظرفیتهای آموزشی، شاخصهای توسعه انسانی را تشکیل می‌دهند و انسان توسعه یافته، با ذهن غنی، توسعه یافته، چند بعدی با قدرت تجزیه و تحلیل تصور می‌شود، اطلاعات پایه و اساس آگاهی و میزان مشارکت مردمان جامعه را تشکیل می‌دهد و در غیر این صورت دشمن واقعی توسعه، خود مردم و فرهنگ آنهاست (داورپناه، ۱۳۸۱). توسعه اجتماعی و اقتصادی به پیش بینی، برنامه‌ریزی، امکان‌سنجی، هدف گذاری، انتخاب راهبردها، پیوستگی و انتخاب شیوه‌های مناسب ارزشیابی متکی است که از طریق دسترسی به اطلاعات مناسب، تسریع می‌شود.

توسعه صنعتی نیز به نتایج تحقیقات علمی برای تولید کنندگان و توسعه محصولات جدید وابسته است و در این راستا، نوآوری کلید بقای صنعت در عرصه رقابت در تولید می‌باشد. موفقیت همه اینها در گرو دستیابی به آخرین اطلاعات و انتقال آن به فرایند تولید می‌باشد. این در حالی است که جامعه صنعتی در حال گذر به جامعه فرا صنعتی است و اطلاعات و صنایع اطلاعات - مدار، نقشی تعیین کننده و تأثیرگذار دارند. روند توسعه کشاورزی، روستایی، مدیریتی، زیست محیطی و ... همگی با وجود اطلاعات تسریع می‌شود. همان‌گونه که مشخص شد، اطلاعات می‌تواند در فرایند توسعه و ابعاد مختلف آن نقش اساسی و تعیین کننده ای داشته باشد. برای بستر سازی و ادامه تأثیرگذاری اطلاعات

در فرایند توسعه یا به عبارت دیگر، تأمین اطلاعات مورد نیاز و مناسب برای فرایند توسعه، توجه به سه عامل ضروری است:

الف) اطلاع‌رسانی توسعه مدار

ب) مدیریت اطلاعات

ج) پی‌ریزی سیاست‌های اطلاع‌رسانی

قسمتهای بعدی مقاله حاضر به بررسی این سه عامل می‌پردازد.

اطلاع‌رسانی توسعه مدار

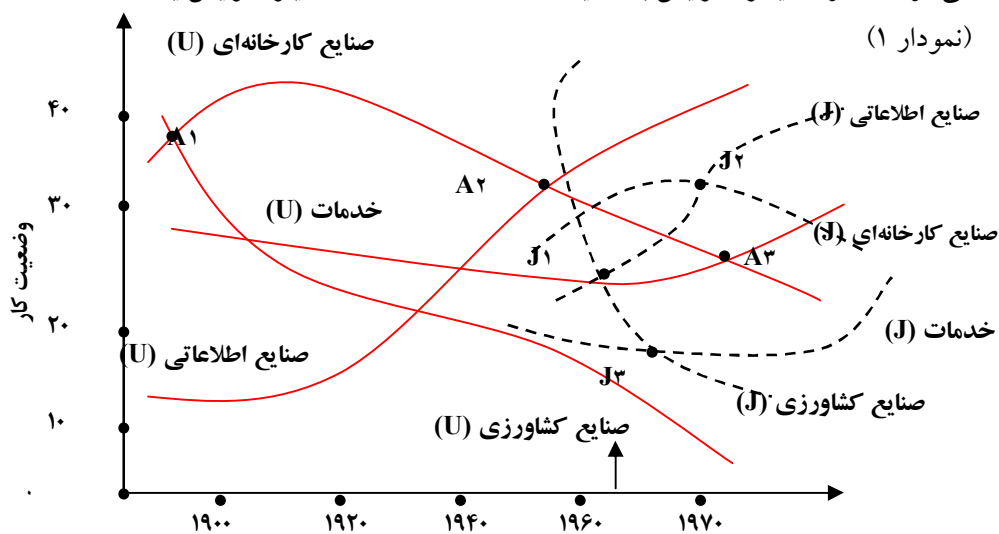
در حوزه اطلاع‌رسانی، علم کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر از سایر علوم نمود پیدا می‌کند، زیرا مسئولان این علم در طول تاریخ پیدایش و فعالیت آن، به گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات (اطلاع‌رسانی) پرداخته‌اند. اکنون با ورود به عصر اطلاعات، نقش آنها برجسته نیز می‌شود. دیانی (۱۳۷۹) نخستین کسی است که لزوم توجه به اطلاع‌رسانی توسعه مدار را به عنوان یکی از مباحث بنیانی کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران مورد بررسی قرار داده است. وی با اشاره به سابقه ۲۵ ساله برنامه کتابداری در ایران، کتابخانه‌ها را واحدهایی مستقل و کتابداران را مدیرانی درون‌گرا، تکلیف مدار و ماهر در کار با ابزارها توصیف نموده است که بین کتابخانه‌ها و مراجعان و کتابخانه‌ها با همدیگر فاصله وجود دارد. وی این شرایط را سازگار با شرایط اطلاع‌رسانی توسعه مدار نمی‌داند و با تعریف مفهوم "اطلاع‌رسانی برای توسعه" به عنوان دید کلان و حرکت یکپارچه همه مراکز در جهت رفع نیازهای علمی و تحقیقاتی همه آحاد جامعه، پنج اصل را برای گذر سالم به مرحله اطلاع‌رسانی مؤثر برای توسعه در ایران، شناسایی می‌کند:

۱. توجه جدی به دانش مدیریت به عنوان نرم افزار پیشرفت
 ۲. وجود سیاست علمی و سیاست اطلاع‌رسانی مبتنی بر موازین و قوانین
 ۳. مشارکت جدی و فعال در تصمیمات و تعهد به مسئولیت حاصل از مشارکت و تصمیمات
 ۴. برقراری مدیریت مردم مدار و برقراری ثبات در مدیریت و امکانات
 ۵. اداره مدبرانه مقاومت در برابر تغییر در ارزشها و مهارتها
- دیانی، نبود سیاست اطلاع‌رسانی، بی‌ثباتی در برنامه‌ها، مدیریت و امکانات، مقاومت در برابر تغییر و ناکارآمدی نظام آموزشی کتابداری ایران را از جمله تنگناهای

روانی - اجتماعی موجود در راستای اطلاع‌رسانی توسعه مدار بر می‌شمارد و لزوم مدیریت دوره انتقال از فرهنگ کتاب‌رسانی منفعل به فرهنگ اطلاع‌رسانی پویا را یادآور می‌شود.

مدیریت اطلاعات

مدیریت اطلاعات، طیف وسیعی از حوزه‌های مختلف - اعم از منابع انسانی، مالکیت فکری، اداره کتابخانه‌ها، ذخیره، سازماندهی، اشاعه و مصرف اطلاعات - را در بر می‌گیرد و به وجود آمدن شبکه‌های اطلاع‌رسانی، چشم انداز نوینی را فرا راه مدیریت جدید گشوده و وظایف این حوزه از علم اطلاع‌رسانی و کتابداری را خطیرتر کرده است (شاه شجاعی، ۱۳). به نظر شاه‌شجاعی، گرایش به دانش و اطلاعات یکی از خصوصیات جهان معاصر است و در نتیجه رشد روزافزون و تنوع غیرقابل تصور اطلاعات، انقلاب اطلاعات در حال بروز است و حجم اطلاعات جهان در هر سه یا چهار سال دو برابر می‌شود. از سوی دیگر، گرایش به فعالیت‌های اطلاعات - مدار نیز افزایش یافته است



ساختار در حال تغییر صنایع در ژاپن و ایالات متحده

منبع: Research institute of Telecommunication and Economics. Tokyo, OECD. IT. & New Growth opportunities. P. ۵۱

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود و نقاط عطف کشور ژاپن (J_۱, J_۲, J_۳) و ایالات متحده (U_۱, U_۲, U_۳) نشان می‌دهد، صنایع اطلاعاتی در هر دو کشور بر همه

صنایع پیشی گرفته و رو به فزونی دارد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل پیشرفت کشورهای به اصطلاح شمال در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، توجه روزافزون آنها به مدیریت اطلاعات است. اصطلاح مدیریت اطلاعات در اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط کمیسیون ملی آمریکا به منظور کاهش کاغذسالاری و کاهش هزینه‌های سازمانها و مؤسسه‌های دولتی مطرح شد. در انگلستان، این مفهوم به منظور بازاریابی و اقتصاد اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۹۴، بیل کلینتون، رئیس جمهور آمریکا، مسئله بزرگراههای ملی اطلاعاتی را مطرح نمود تا شهروندان به آسانی به اطلاعات دسترسی داشته باشند. حوزه‌های کتابداری و فناوری اطلاعات، از جمله حوزه‌های مرتبط در این راستا به شمار می‌آید.

به دنبال گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، مفهوم مدیریت اطلاعات نیز رواج یافته است. فناوری اطلاعات در امور کتابخانه دگرگونیهای زیادی را به بار آورده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۲). در این میان، آنچه مهم است، رویکرد مدیریتی به اطلاعاتی است که خود به عنوان دستمایه مدیریت تلقی می‌شود.

پی‌ریزی سیاستهای اطلاع‌رسانی

سابقه پی‌ریزی سیاستهای اطلاع‌رسانی، به برنامه‌های ایفلا در زمینه کتابشناختی جهانی، دسترسی به انتشارات، برنامه سازمان ملل در زمینه تبادل اطلاعات علمی (یونی‌سیست)، نظام ملی اطلاع‌رسانی (ناتیس) و برنامه اطلاع‌رسانی عمومی (جی‌آی‌پی) در طول دهه ۷۰ بر می‌گردد. این برنامه‌ها در راستای کنترل توده در حال گسترش اطلاعات در قالب زیربناهای اطلاع‌رسانی انجام می‌شد (الرحمن، ۱۳۷۹). اکنون با افزایش اطلاعات، توسعه فناوریهای اطلاعاتی و آگاهی افراد جامعه نسبت به اهمیت اطلاعات در انجام امور، تدوین سیاستهای ملی اطلاع‌رسانی ضروری به نظر می‌رسد. آمریکا با ایجاد بنیاد ملی علوم (NSF) در سال ۱۹۷۲ به این کار همت گماشت. فرانسه، بریتانیا، استرالیا، سوئد، دانمارک، کانادا و آلمان از جمله کشورهایی بودند که برای پی‌ریزی سیاست ملی اطلاع‌رسانی، تلاش کردند. کشورهایی مانند هند و مالزی نیز تلاشهایی را انجام دادند و یونسکو نیز حمایت از پی‌ریزی سیاستهای ملی اطلاع‌رسانی کشورها را جزو برنامه‌های خود قرار داده است (همان).

به نظر الرحمن، قلمرو سیاست اطلاع‌رسانی گسترده است و حتی حوزه‌هایی مانند آموزش و پرورش، ارتباطات ملی، سیاست‌های فرهنگی، کشاورزی، محیط زیست، علوم، اقتصاد، صنایع، بازرگانی، بهداشت ملی و نظیر آن را شامل می‌شود. اما وی معتقد است که تدوین سیاست‌های ملی اطلاع‌رسانی اصولاً یک کار بومی است که ماهیتی سیاسی داشته و هر کشور دارای ویژگی‌های خاص خود است و مسائل مربوط به خط مشی را نمی‌توان از داخل راهنماهای یونسکو یا سایر سازمان‌های بین‌المللی در آورد.

نتیجه‌گیری

از مرور نوشته‌ها و مطالب متن حاضر چنین بر می‌آید که توسعه، فرایندی فراگیر است که تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و تغییر، اصل اساسی و رکن اصلی آن است. آنچه موجب تغییر می‌شود و فرایند تغییر را تسهیل و تسریع می‌نماید، اطلاعات و اطلاع‌رسانی مؤثر است. که دکتر دیانی از آن به عنوان «اطلاع‌رسانی برای توسعه» یا «اطلاع‌رسانی توسعه مدار» یاد کرده است. اطلاع‌رسانی توسعه مدار، مستلزم تلاش همه جانبه مراکز اطلاع‌رسانی در راستای اهداف و وظایف توسعه‌ای معین می‌باشد. در این میان، مدیریت اطلاعات و پی‌ریزی سیاست‌های اطلاع‌رسانی اهمیت زیادی دارد و مادام که سیاست‌های اطلاع‌رسانی مناسب تدوین نشود و مراکز اطلاعاتی تحت مدیریت علمی قرار نگیرند، نمی‌توان انتظار داشت که اطلاع‌رسانی توسعه مدار صورت گیرد. همان‌گونه که لنکستر معتقد است تمایلات و گرایش‌های کتابداران و اطلاع‌رسانان در مدیریت جدید از سه مرحله گذشته است: ۱- مقاومت و عدم اعتماد به فناوری که بیشتر به دلیل وحشت از بیکار شدن و مسائلی نظیر آن می‌باشد. ۲- شیفتگی و اعتماد افراطی به فناوری ۳- واقع‌گرایی. در این مرحله، کتابداران و اطلاع‌رسانان می‌توانند تعامل منطقی با فناوری داشته باشند و کتابداران با بهره‌گیری از توانایی‌های فناوری‌های نوین به عنوان مهندسان دانش، مفسران اطلاعات و معلم و آموزشگر به فعالیت اطلاع‌رسانی توسعه مدار بپردازند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این وضعیت، باید تغییرات و تحولات عمیقی در نظام آموزشی و ساختارهای اطلاع‌رسانی جامعه صورت پذیرد. چنانچه تحولات مذکور اتفاق بیفتد، می‌توان انتظار داشت که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی بتوانند برنامه‌های توسعه پایدار را محور کار خویش قرار دهند.

منابع

- Clarck, D. (۱۹۹۶). The future urban world. URBAN AORLD/ GLOBAL CITY. Vol. ۴۶, No. ۵, P. ۵۸۲.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه، ص. ۷.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۷). *جابجایی در قدرت*، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی. تهران: نشر سیمرغ.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*: ترجمه غلام عباس فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- حری، عباس (۱۳۷۲). *اطلاعات و توسعه*، در: *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*، تهران: دبیرخانه هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسن زاده، محمد (۱۳۸۲). "کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در فرایند توسعه جوامع در حال توسعه"، *ویژه نامه ششمین نمایشگاه کتاب خراسان*. مشهد، ۲ تا ۸ دی‌ماه، ص ۴۶.
- داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۱). "اطلاعات، کتابخانه و توسعه ملی". *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۵، ش ۱، ص ۱۵.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۷۹). "تنگناهای اجتماعی روانی اطلاع‌رسانی برای توسعه"، در: *مباحث بنیانی در کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران*. مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای، ص. ۳۸.
- سالاری، محمود (۱۳۸۱). "نقش خدمات کتابخانه‌ها در توسعه پایدار". *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۵، ش ۱، ص ۱۶.
- الرحمن، سجاد (۱۳۷۹). "سیاست‌های ملی اطلاع‌رسانی کشورهای در حال توسعه"، ترجمه اشرف السادات میر شاهزاده. *پیام کتابخانه*، شماره ۱، ص ۲۷.
- شاه شجاعی، علی (۱۳۷۷). "اهمیت مدیریت اطلاعات در عصر فراصنعتی"، *فصلنامه کتاب*، دوره نهم، ش ۲، ص ۳۵.
- شاه شجاعی، علی (۱۳۷۸). "نقش ارتباطات و اطلاع‌رسانی در توسعه روستایی". *فصلنامه کتاب*. دوره دهم، ش ۳، ص ۱۶.
- طلایی، محسن (۱۳۷۳). *توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه و نقش مداخلات دولت*. فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴، ص ۱۰۱.
- عمادی، حسین (۱۳۷۹). "اولویت بخشی به روستائیان در فرایند توسعه روستایی". *فصلنامه روستا و توسعه*، ش ۱.